

نشست تخصصی "بررسی تجارب توسعه در کشور چین" روز دوشنبه ۹۵/۶/۸ در مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، و با سخنرانی آقایان دکتر داود دانش جعفری و دکتر فریدون وردی‌نژاد در جمع اساتید، اعضای هیئت علمی و کارشناسان اقتصادی برگزار گردید.

در بخش نخست این نشست آقای دکتر دانش جعفری سخنرانی خود را با عنوان "اقتصاد چین؛ دیروز، امروز و فردا" آغاز نمود و اظهار داشت: طبق آمار در سال ۲۰۱۵ چین بزرگترین کشور صادرکننده کالا و خدمات جهان و بعد از آمریکا، دومین واردکننده جهان است. این کشور در سال ۱۹۷۸ اصلاحات اقتصادی خود را آغاز و طی ۳۸ سال به طور متوسط رشد اقتصادی حدود ۹ درصد را ثبت کرد که این عملکرد هم از نظر رشد بالا و هم حفظ رشد بالا در طولانی مدت بی‌سابقه است. اما در سال‌های اخیر این رشد کند شده است و به ۶/۵ درصد کاهش یافته است و به گفته خود چینی‌ها اقتصاد آنها وارد فرآیند انتقال به وضعیت طبیعی جدید (New Normal) شده است.

وی رویکردهای اصلاحات چین را در برابر دستاوردهای فراوانش، محدود ارزیابی کرد و گفت: راهبردهای انتخاب شده برای اصلاحات اقتصادی چین بسیار ساده و در عین حال مفید بوده است. مهمترین این رویکردها شامل باز شدن اقتصاد، انتخاب اقتصاد بازار، عضویت در سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۱، انتخاب راهبرد توسعه مبتنی بر صادرات و اجرای طرح‌ها به صورت فراگیر پس از بررسی نتایج اجرای آزمایشی طرح‌ها، است. وی افزود: سنگ بنای فکری اصلاحات اقتصادی چین، روی آوردن به اقتصاد بازار بود. البته مفهوم اقتصاد بازار در چین با آنچه در کشورهای غربی مرسوم است، تفاوت‌های فراوانی دارد. در چین هنوز هم نوعی برنامه‌ریزی مرکزی وجود دارد که توسط حزب کمونیست چین اداره می‌شود. در برنامه‌ریزی مرکزی کنونی چین، کلیه سیاست‌های کلان توسط حزب ارائه می‌شود. به همین دلیل چین اصرار دارد که سیاست اقتصادی خود را در قالب "اقتصاد بازار مبتنی بر سوسیالیسم چینی" بیان کند. منظور از سوسیالیسم چینی این است که حزب کمونیست سیاست‌های کلان را اعلام می‌کند و دولت، مجلس و بخش خصوصی بایستی این سیاست‌ها را به اجرا در آورند.

ایشان درباره چرایی اتخاذ سیاست اصلاحات اقتصادی در چین عنوان کرد: در سال ۱۹۷۸ چین متوجه شد که دیگر با روش‌ها و سیاست‌های اتخاذ شده قبلی قادر به حل مسایل و مشکلات اقتصادی خود نیست. کمبود مواد غذایی و وابستگی شدید به خارج، فقر وسیع و سطح پایین رفاهی جامعه، حجم پایین تولید و بطور کلی نازل بودن شاخص‌های اقتصادی چین، رهبران سیاسی این کشور را بر آن داشت که سازوکارهای جدیدی که کارآمدی لازم را داشته باشد، اتخاذ کنند. در اتخاذ راهکارهای جدید حتی جهت‌گیری‌هایی که مخالف سیاست‌های قبلی نیز بود بکار گرفته شد و اصل مهم و اساسی حاکم در اتخاذ سیاست‌های جدید، کارآمدی آن و خروج از بحران‌های آن مقطع زمانی چین بود.

سپس آقای دکتر دانش جعفری از جنبه‌های مختلف پیشرفت‌های اقتصادی چین پس از اصلاحات اقتصادی را مورد بررسی قرار داد و گفت: پس از اعمال اصلاحات موقعیت چین در بین پنج کشوری که بالاترین رشد اقتصادی را در دنیا داشتند طی دهه‌های ۸۰، ۹۰ و دهه اول قرن حاضر از جایگاه پنجم به جایگاه اول ارتقا یافت. همچنین پس از اعمال اصلاحات اقتصادی تولید ناخالص داخلی اسمی چین به شکلی چشمگیر افزایش می‌یابد بطوری‌که طی این سال‌ها رشدهای بالای ۱۰ درصد بارها و بارها تکرار می‌شود. بعلاوه بر اساس پیش بینی مجله اکونومیست، اقتصاد چین از نظر مقیاس GDP، تا سال ۲۰۱۹ اقتصاد آمریکا را پشت سر خواهد گذاشت و بر اساس گزارش‌های آماری سازمان ملل (UNDP) در سال‌های اخیر تولید صنعتی چین همواره با رشد خیره‌کننده‌ای در حال افزایش بوده است بطوری‌که تولید صنعتی این کشور در سال ۲۰۰۶، ژاپن و سپس در سال ۲۰۱۰، آمریکا را پشت سر گذاشته است. طی سال‌های اخیر افزایش حقوق و دستمزد ماهیانه در چین نسبت به کشورهای جنوب شرق آسیا نشان می‌دهد که مزیت نسبی این کشور در نیروی کار به تدریج از بین می‌رود و چینی‌ها به دنبال تحقق رشد از طریق دیگر عوامل تولید هستند. آمارها نشان می‌دهد از سال ۱۹۹۰ به بعد مصرف خصوصی مردم چین کاهش یافته و سرمایه‌گذاری افزایش یافته است و این روند تا حدودی منجر به کاهش رفاه مردم می‌شود. همچنین سهم چین از تجارت جهانی (فقط کالا) پس از اصلاحات از حدود ۱ درصد به حدود ۱۳ درصد در سال ۲۰۱۵ رسیده است.

ایشان وضعیت کنونی چین در ارتباط با رشد اقتصادی را این‌گونه تشریح کرد: در چین امروز، دستیابی به رشد بالا، از طریق بکارگیری سرمایه و نیروی کار تقریباً متوقف شده است. به علاوه وجود ظرفیت‌های مازاد در بسیاری از صنایع چین مثل فولاد، ذغال سنگ، آلومینیوم، سیمان، شیشه و کشتی‌سازی، باعث کاهش سود این نوع صنایع و در عین حال باعث تخریب محیط زیست شده است. از طرف دیگر شاخص قیمت تولیدکننده و شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی طی ۶۰ ماهه گذشته در چین در حال کاهش است و لذا نوعی فشار رکودی (Deflation) در چین حاکم شده است. وی افزود: سهم بخش اولیه (استخراج مواد خام) از تولید ناخالص داخلی چین به مرور از سال ۱۹۵۲ تا سال ۲۰۱۵ کاسته شده و سهم بخش دوم (صنایع تولیدی) و بخش سوم (خدمات یا خدمات پیشرفته) افزایش پیدا کرده است ولی هنوز به سطح کشورهای پیشرفته نرسیده است. بنابراین شاید بتوانیم موقعیت توسعه یافتگی این کشور را با این توضیح درک کنیم.

وی ادامه داد: یک محقق چینی در سال ۲۰۱۲ در پژوهش خود نشان داد که میانگین نرخ رشد بهره‌وری کل عوامل تولید بین سال‌های ۱۹۵۲ و ۱۹۷۸ منفی ۱/۰۷ درصد بوده که این نرخ با اصلاحات اقتصادی طی سال‌های ۱۹۷۸ تا ۲۰۰۷ به مثبت ۳/۱۶ رسیده است.

ایشان درباره بازارهای مالی این کشور اظهار داشت: آمارها حاکی از افزایش نسبت بدهی به GDP از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۵ در چین است که بانک‌ها سهمی عمده از این نسبت دارند. بنابراین می‌توان گفت تامین مالی این کشور همانند ایران بانک محور است. به علاوه میزان پایین بازدهی سهام نسبت به بازدهی سپرده-گذاری در بانک بخش عمده‌ای از پول‌ها را به سمت بانک هدایت می‌کند.

وی همچنین نکاتی در مورد سرمایه غیرملموس به عنوان یکی از عوامل رشد اقتصادی چین بیان کرد: در گذشته چین سرمایه‌گذاری‌های فوق‌العاده‌ای در آموزش و مهارت اندوختی (سرمایه انسانی) نموده است و این روند در سال‌های بعد نیز ادامه می‌یابد و گفته می‌شود در سال ۲۰۱۵ متوسط سال‌های تحصیل نیروی کار چین حدود ۱۰ سال بوده است. نرخ رشد مثبت در مراکز آموزش عالی حدود ۳۰ درصد است و با وسعت گرفتن کار دانشگاه‌های خصوصی روبه افزایش است. همچنین این کشور توسعه تحقیق و پژوهش را در دستور قرار داده و هدف ۲/۲ درصد GDP را انتخاب کرده است. با این وجود سرمایه‌گذاری سرانه چین در تحقیق و توسعه و سرمایه انسانی نسبت به کشورهای مثل کره و ژاپن بسیار پایین‌تر است.

ایشان در مورد مهمترین جهت‌گیری‌های اقتصاد چین در سال ۲۰۱۶ بیان کرد: چین برای سال ۲۰۱۶ رشد تولید ناخالص داخلی ۶/۵ تا ۷ درصد را هدف گرفته است. برای این کار این کشور تصمیم دارد موجودی انبار و ظرفیت‌های مازاد را کاهش دهد. همچنین قصد دارد نسبت اهرمی و هزینه تامین مالی بنگاه‌ها را بکاهد. از دیگر جهت‌گیری‌های سال ۲۰۱۶ می‌توان به توجه به برنامه‌های فقر زدایی و برنامه بهبود محیط زیست اشاره کرد. همچنین افزایش سهم بنگاه‌های غیردولتی و دانشگاه‌ها در نوآوری‌های جدید محور اصلی برنامه‌های توسعه تحقیق و پژوهش چین است.

دکتر دانش جعفری در پایان نکات اساسی برنامه ۵ ساله سیزدهم چین مصوب مارس ۲۰۱۶ را به شرح زیر ذکر نمود:

- اعمال قانون (شفافیت، استقرار قانون مالکیت معنوی، رعایت استاندارد)
- توجه به نوآوری
- اصلاحات در بخش عرضه اقتصاد (کاهش موجودی انبار، کاهش نسبت اهرمی، کاهش هزینه تأمین مالی و...)
- فقرزدایی
- توسعه سبز
- رقابت‌پذیری در اقتصاد (حقوق برابر، فرصت‌های برابر و قانون واحد برای همه)

در بخش دوم نشست، آقای دکتر فریدون وردی‌نژاد سخنرانی خود را با عنوان "نگاهی بر تجارب الگوی رشد چین" آغاز نمود و در مروری تاریخی درباره آغاز رشد چین گفت: از سال ۱۹۴۹ و قدرت‌گیری و تسلط کامل حزب کمونیست چین بر تمامی خاک کشور چین و تاسیس جمهوری خلق چین تا اواخر دهه ۷۰ میلادی همواره الگوی رشد و توسعه چین کپی‌برداری مستقیم و غیر مستقیم از برنامه‌های توسعه‌ای اتحاد جماهیر شوروی بود. در اواخر دهه هفتاد، زمزمه‌های چندین ساله درون حزب کمونیست جدی‌تر شد و سنگ بنای اصلاحات با قدرت‌گیری جناح طرفدار اصلاحات گذاشته شد. چینی‌ها با طرح سوال‌هایی منطقی در مورد اقتصاد دولتی و کارایی ساختار دولت، تورم نیروی انسانی، بهره‌وری پایین در اقتصاد، جایگزینی فناوری سنتی با تکنولوژی و مدیریت روزآمد و در نهایت اتصال چینی‌های آنسوی آب‌ها و سایر ملت‌ها با کشورشان، سعی در یافتن پاسخ‌ها نمودند. آن‌ها گفتمان دگردیسی خود را بر پایه شعارهای زیر بنا نهادند:

- ساختن چین بزرگ، مرفه و پیشرو
- رفاه عمومی و توسعه صلح و امنیت
- حضور قشرهای گوناگون اجتماعی با رهبریت حزب در سیاست درهای باز
- دوستی با همه کشورها و حل و فصل مسایل با همسایگان
- وارد کردن عقلانیت جمعی و استفاده از همه توان‌ها در تصمیم‌سازی برای همگانی کردن فرهنگ توسعه
- تولید انبوه با حداقل هزینه، قیمت ارزان اجناس و تصرف بازارهای جهانی به عنوان عزمی ملی

وی افزود: حزب کمونیست برای هموار ساختن مسیر اصلاحات اقتصادی، سیاست خارجی چین را بر اساس ۱- احترام متقابل به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها ۲- اصل عدم تجاوز ۳- عدم مداخله در امور دیگران ۴- برابری و نفع متقابل ۵- همزیستی مسالمت‌آمیز با همه کشورها، تنظیم کرد. همچنین در یک ارزیابی واقع‌گرایانه از توان و قدرت ملی تلاش کرد تا از سیاستهای شتابزده و زود بازده اجتناب کند، آرمانگرایی حزبی و سوسیالیستی را کنار بگذارد، بر منافع ملی تمرکز و از اتخاذ مواضع پرهزینه پرهیز کند، بر توان و نیروی چینی‌های آنسوی مرزها تکیه نماید و سرانجام سیاست‌هایی هدفمند و برنامه‌ریزی شده را برگزیند. بنابراین با توضیحات گفته شده می‌توان مدل و الگوی رشد چینی را برگرفته از عقلانیت سیاسی و ساختاری سود محور (قانون گرایی و نظم غربی) و عقلانیت اخلاقی و ارزشی (آموزه‌های بومی) دانست. از تلفیق این دو، انسجامی قانونی و اخلاقی شکل گرفت تا رشد اقتصادی و رفاه عمومی بر مدار اقتدار سیاسی و امنیتی همراه با گشایش‌های شتابان اقتصادی و اصلاحات کنترل شده اجتماعی محقق شود.

ایشان با ارائه آمارهایی گذاری کوتاه بر توسعه چین کرد و گفت: نگاهی به جغرافیای اقتصادی چین بیانگر آن است که عمده تحولات اقتصادی در مناطق شرق و جنوب شرق و ساحل آب‌های آزاد گسترده شده است.

در سال ۱۹۹۰ میلادی، این کشور کمتر از ۳ درصد خروجی تولیدی جهان را بر حسب ارزش فراهم می‌کرد و اکنون سهم این کشور به نزدیک یک چهارم کل تولید جهان رسیده است. چین ۸۰ درصد هواسازها، ۷۰ درصد گوشی‌های تلفن همراه و ۶۰ درصد کفش‌های جهان را می‌سازد و شریک اول تجاری ۱۳۰ کشور جهان است. ذخیره ارزی چین در پایان سال گذشته حدود ۴۰۰۰ میلیارد دلار بوده است.

وی در تشریح سیستم حکومتی چین گفت: سیستم حکومتی چین جمهوری خلق و مبتنی بر حاکمیت مطلق حزب کمونیست است. بر اساس قانون اساسی کشور، حزب کمونیست بر عملکرد ۷ ارگان مندرج در قانون اساسی نظارت کامل داشته و قانون اساسی این کشور، از زمان تاسیس جمهوری خلق چین تاکنون به مدت ۵ بار اصلاح شده و متن نهایی آن طی سال ۱۹۹۲ به تصویب رسیده است. از جمله مهمترین ارگان‌های حکومتی کشور چین می‌توان به ۱- کنگره ملی خلق (مجلس نمایندگان) ۲- ریاست جمهوری ۳- شورای دولتی ۴- حکومت‌های محلی (استانها) ۵- دادگاه عالی خلق ۶- دادستانی عالی خلق ۷- کنفرانس مشورتی - سیاسی خلق، اشاره نمود. ساختار تصمیم‌گیری در چین به صورت هرمی و با محوریت و حضور استراتژیک حزب کمونیست می‌باشد به گونه‌ای که این حزب است که جهت حرکت دولت در آینده را تعیین می‌کند اگر چه دولت از ساختار و چهارچوب خاص خود برخوردار است اما در نهایت چرخش فرمان ماشین دولت بی‌مدد اشاره حزب کمونیست ممکن نیست. در این راستا علاوه بر پیوندهای جاری دولت با حزب، یک سلسله مراتب موازی نمایندگان حزبی وجود دارد که به هدایت بخش عمومی و نظارت بر اجرای صحیح ایدئولوژی رسمی می‌پردازد.

وی ادامه داد: به طور کلی سیستم اداری چین متمرکز است و به نظر می‌رسد سطوح پایین دولت در هماهنگی با دستورات و تصمیمات گرفته شده از بالا هستند و همواره مقامات محلی (متکی بر مسائل منطقه ای و قومیت ها) ادعا می‌کنند که از دستورات مرکز کاملاً اطاعت می‌کنند حتی زمانی که به آرامی در حال انجام خواسته و نقطه نظرات خود می‌باشند. اما واقعیت آن است که برای مقامات محلی و نمایندگان اقلیت های قومی این امکان وجود دارد که سیاست‌های دولت مرکزی را تعدیل کنند یا سیاست‌های خود را که از سوی مقامات بالاتر به آنها تصریح نشده است، پیش ببرند. دولت‌های محلی همچنین از سطح بالایی از آزادی در مسائل مالی استان مربوط به خود برخوردارند که به آنها امکان هزینه کردن این درآمدها را می‌دهد که این خود روشی از سیاست‌گذاری را در پی دارد.

دکتر وردی‌نژاد مهمترین چالش‌های پیش روی مسیر دوران دگردیسی چین را چالش فرهنگ گذشته مدار (تقابلی) و فرهنگ آینده‌مدار (تعاملی)، چالش وادادگی اجتماعی، تفاوت‌های اقوام و اقلیت‌ها، چالش مطالبات سیاسی و تحرکات اجتماعی (نسل قدیم و جدید)، چالش مذهب و مسلک با تجدد خواهی و رفاه طلبی، چالش فقر و غنا، چالش رقابت، چالش هویت (ملی، دینی و قومی و قبیله‌ای)، عنوان کرد و گفت: نکته جالب

آن است که ساختارهای فرهنگی و اجتماعی، به دلیل ویژگی‌های نژاد زرد، از نظر نرم‌افزاری و سخت‌افزاری در برابر این تغییرات مقاومت نکرده‌اند. دلیل اصلی هم آن است که در فرهنگ آسیای شرقی، انضباط یک ارزش است و مسلک کنفوسیوسی به کمک این نظام مدیریتی آمده و زیرساخت‌های این تغییر بنیادین را فراهم کرده است.

وی در تبیین نقش نهادهای مدنی در چین اذعان داشت: در مقایسه با کشورهای دموکراتیک غربی نقش بخش خصوصی در تصمیم‌سازی‌ها محدود می‌باشد. اگر چه گروه‌های نفوذ و نهادهای مدنی به طور معمول در ارائه و اجرای عملی مسائل دخیل هستند، اما ردپای آنان را نمی‌توان تا سطوح موضوعات استراتژیک پیگیری کرد. آنان اگر هم در این موضوعات وارد شوند به معنای آن است که از آن‌ها دعوت به عمل آمده و دریافت نقطه نظرات آنان مهم بوده است. در این راستا ذکر این نکته مهم است که در چین در واقع بسیاری از مردم نهادها دولتی هستند، از این روی نقش این نهادها در تصمیم‌سازی‌ها را نمی‌توان به معنای حضور پررنگ بخش‌های اجتماعی و یا احزاب و اقلیت‌های قومی و مسلکی جامعه در روند سیاست‌گذاری‌ها دانست. بر این اساس، با توجه به انبوه توده چینی و تنوع قومی این کشور، اگر چه امکان تصمیم‌گیری دموکراتیک با حضور توده مردم در سطح جامعه وجود ندارد، اما حزبی‌ها معتقدند می‌توان مدلی بر مبنای جامعه واقعی چین در داخل حزب ساخت و افراد و گروه‌های حاضر را در روند تصمیم‌سازی دخیل کرد.

ایشان با طرح پرسش "چین به کدام سو می‌رود؟" اظهار کرد: اساس سیاست ملی چین در ابعاد مختلف بر دو اصل بنیادین ۱- پیشبرد اصلاحات اقتصادی و تداوم و تعمیق سیاست درهای باز ۲- حفظ ثبات و آرامش سیاسی و اجتماعی و وحدت و یکپارچگی ملی برای تداوم اصلاحات، استوار شده است. پس براساس این سیاست و اولویت رشد و توسعه چین به هیچ روی در مسائل مختلف (غیراز تایوان و مسائل دریای جنوب) با امریکا و اروپا درگیر و سرشاخ نخواهد شد و کره‌شمالی بهترین مثال آن است. بنابراین ایران باید سطح انتظارات خود از چین را منطقی و واقعی نماید که دچار خطای ادراکی نشود.

دکتر وردی‌نژاد در پایان سخنانش قابلیت پیاده‌سازی الگوی رشد و توسعه چین را در ایران امکان‌پذیر ندانست و دلایل خود را به شرح زیر بیان نمود:

- ویژگی‌های نیروی انسانی در چین (نژاد زرد) و نیروی کار ایرانی بدین معنا که چین نیروی اولیه برای جهش را داشت و ایران به طور اصولی فاقد نیروی انسانی معتقد به کار تیمی و دارای قابلیت هم-افزایی است.
- وجود حزب ایدئولوژیک و سراسری در چین و عبور رهبران چینی از جزمیت حزبی و عدم آمادگی مردم و حاکمیت ایران برای کار سازمانی و حزبی به عنوان مرجع تصمیمات حاکمیتی.

- در چین رهبری جمعی در قالب حزب مسلط وجود دارد و در ایران معمولاً هدایت و تصمیم‌گیری فصلی و دوره‌ای و متکی بر گفتمان دولت‌های گوناگون است.
- اقتصاد چین اقتصاد تولیدی- صادراتی است و اقتصاد ایران اقتصاد تک محصولی نفتی- صادراتی است.
- رشد چین در شرایط خاص رقابت‌های دو بلوک قدرت و دوران جنگ سرد شکل گرفت که امروزه جهان فاقد آن ظرفیت و شرایط ویژه است.
- توانایی چین در تبدیل نیروی کار به یکی از عوامل موثر در تولید و عدم امکان این حرکت در ایران به دلیل تکروی و ویژگی اخلاقی ایرانی‌ها.
- توفیق چینی‌ها در متناسب‌سازی پیشرفت اقتصادی چین با انگیزه‌های اقتصادی فردی که شتاب لازم را به پیشرفت اقتصادی چین داده است.
- مراقبت سازمان‌یافته حزب کمونیست از اصلاحات تدریجی اقتصادی و متوازن‌سازی آن با شرایط فرهنگی و اجتماعی چین و مبارزه سازمان‌یافته با فساد و عبور از بحران‌های مرحله‌ای.